

تامین منابع مالی پایدار برای شهرداری های شهرهای زیر ۲۵ هزار نفر (نمونه موردی: شهر جلفا)

بهزاد شهلاچشم یوسف آباد

کارشناسی شهرسازی، دانشگاه پیام نور مرکز تبریز، ایران - b.shahlacheshm@gmail.com

چکیده

یکی از مسائل مهم شهرداری ها در سراسر جهان، کسب درآمد پایدار جهت تأمین هزینه خدمات شهری است. اتکای بیش از حد بسیاری از شهرداری ها به درآمدهای ناپایدار، شهرداری را با مشکلات مالی مواجه ساخته است. مطالعه منابع درآمدی پایدار شهرداری های جهان و استفاده از تجارب دیگر شهرها، تا حدودی می تواند راهگشای مشکلات شهرداری جلفا باشد. روش پژوهش حاضر، تحلیلی و اسنادی-کتابخانه ای بوده و هدف اصلی آن، شناسایی منابع مالی و درآمدی پایدار شهرداری جلفا براساس مطالعات تطبیقی و میدانی است. در این پژوهش، پس از بررسی روش های کسب درآمد و تأمین مالی شهرداری های دنیا، تحلیل منابع درآمدی در تکنیک تحلیلی SWOT انجام شده و راهکارهای اجرایی برای درآمدزایی و تأمین منابع مالی برای شهرداری جلفا ارائه گردیده است.

واژه های کلیدی: درآمد پایدار، منابع مالی، اقتصاد مقاومتی، شهرداری، شهرهای کوچک، جلفا

۱- مقدمه

اداره شهرها و اعمال مدیریت شهری مستلزم در اختیار داشتن منابع درآمدی مستمر، مطمئن و بدون تبعات سوء است، بنابراین بحث منابع مالی شهرداری ها می بایست به عنوان یکی از مهم ترین مسائل اداره شهرها مورد توجه قرار بگیرد. از طرفی، پیچیدگی خدمات رسانی و مدیریت مالی و اداری آن ها، موجب شده که تأمین منابع مالی پایدار و مدیریت شهری متمرکز جوابگو نبوده و می طلبد تا به منظور جوابگویی و خدمات رسانی متناسب با نیازهای روز شهروندان و به دلیل عدم امکان هماهنگی منابع و مصارف در فصول مختلف سال، به مشارکت بخش خصوصی و تأمین منابع و جذب پتانسیل های لازم برای پیشبرد طرح های توسعه ای توجه ویژه شود.

۲- بیان مشکل و طرح مساله

شهرداری ها، به عنوان مسئول و متولی اداره شهرها، لازم است دارای منابع مالی برای انجام وظایف خود باشند (CCD, 2009). در کشور ایران منابع مالی شهرداری در گذشته از طریق دولت تأمین می شد، ولی از سال ۱۳۶۳ با تغییر قانون بودجه، سیاست دولت بر خودکفایی شهرداری متمایل گردید (قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲). اجرای سریع این قانون حداقل دو مشکل عمده در پی داشته است: نخست این که شهرداری ها که تا آن زمان از منابع مالی دولتی استفاده می کردند و در قیدوبند درآمدزایی و نحوه هزینه های خود نبودند، ملزم به درآمدزایی و صرفه جویی در هزینه های خود بدون اقدامات آموزشی اولیه شدند. شاید بهتر بود این قانون در فرآیندی نسبتاً طولانی ۵ الی ۱۰ ساله که همراه با آموزش کادر اجرایی و